

کتاب تغییر

Krogerus, Mikael

سرشناسه: کروگروس، میکائیل
عنوان و نام پدیدآور: کتاب تغییر: ۵۰ الگو برای توصیف رخدادها/مایکل کروگروس، رومن
چپلر؛ تصویرگران فیلیپ ارنهارت، داگ گروдал؛ ترجمهٔ مریم تقدیسی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۷۴ ص.: مصور، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۱۳۲-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The change book: fifty models to explain how things happen, 2012.
یادداشت: کتاب حاضر از ترجمهٔ انگلیسی «Welt erklärt in drei Strichen» به فارسی برگردانده
شده است.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: تغییر

موضوع: تحولات اجتماعی

موضوع: تحول (روان‌شناسی)

شناسه افزوده: چپلر، رومان

شناسه افزوده: Tschäppeler, Roman

شناسه افزوده: ارنهارت، فیلیپ، تصویرگر

شناسه افزوده: Earnhart, Philip

شناسه افزوده: گروдал، داگ، تصویرگر

شناسه افزوده: Grødal, Dag

شناسه افزوده: تقدیسی، مریم، ۱۳۴۲-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ک ۲ ک ۴ / ک ۳۷۳ BD

رده‌بندی دیویی: ۰۰۳

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۶۱۳۹۰۴

کتاب تغییر

۵۰ الگو برای توصیف رخدادها

مایکل کروگروس و رومن چپلر

تصویرگران: فیلیپ ارنهارت و داگ گرودال

ترجمهٔ مریم تقدیسی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

The Change Book

Fifty models to explain how things happen

Mikael Krogerus and Roman Tschäppeler

Translated by Jenny Piening

Illustrated by Philip Earnhart and Dog Grodal

Profile Books, 2012



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶ ۴۰ ۸۶ ۴۰

* * *

مایکل کروگروس و رومن چپلر

کتاب تغییر

۵۰ الگو برای توصیف رخدادها

تصویرگران: فیلیپ ارنهارت و داگ گروдал

ترجمه مریم تقدیسی

چاپ اول

نسخه

پاییز ۱۳۹۳

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۱۳۲ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978-600-278-132-1

Printed in Iran

تومان

فهرست

- کتاب درباره چیست ۹
چرا الگوها؟ ۱۱
دستورالعمل استفاده ۱۲

توصیفی از دنیای ما

- الگوی کیهان‌زایی ۱۴
الگوی پایان تاریخ ۱۶
الگوی «Is the New» ۲۰
الگوی ف.ا.م ۲۲
الگوی ریزوم ۲۴
الگوی پشت‌دستمال ۲۸
الگوی جهانی‌سازی ۳۰
معمای برس ۳۲
الگوی بوم‌باست (شکوفایی - ورشکستگی) ۳۴
الگوی بحران مالی ۳۶
الگوی فساد ۳۸
الگوی سیستم دولت ۴۰
الگوی پیش‌تاز ۴۲
الگوی ۳+۱ ۴۶
الگوی علم ۴۸

توصیف دنیای من

- ۵۲ الگوی تک همسری
- ۵۴ الگوی معنای زندگی
- ۵۶ الگوی تربیت فرزند
- ۵۸ الگوی تعصب
- ۶۰ الگوی برند
- ۶۲ الگوی تقابل فرهنگی
- ۶۶ الگوی پرش از روی کوسه
- ۶۸ الگوی دگرسازی
- ۷۰ الگوی نقل قول اسکار وایلد

تغییر دنیای من

- ۷۴ الگوی تصمیم
- ۷۸ الگوی چندمنظوره
- ۸۲ الگوی پایداری
- ۸۴ الگوی شادی و غم
- ۸۸ الگوی تغییر
- ۹۰ الگوی درآمد پایه
- ۹۴ الگوی شبکه ۲/۰
- ۹۶ الگوی سرمایه گذاری
- ۱۰۰ الگوی مرگ
- ۱۰۲ الگوی عینیت

تغییراتی در دنیای ما

۱۰۶	الگوی جی - صفر
۱۱۰	الگوی شفافیت
۱۱۶	الگوی دیکتاتوری
۱۱۸	الگوی هوش گروهی
۱۲۰	الگوی مذهب
۱۲۴	الگوی پیشدستی
۱۲۶	الگوی فاجعه آب و هوایی
۱۳۰	الگوی نوآوری
۱۳۲	چرخه کوندراتیف
۱۳۶	قانون مور
۱۳۸	الگوی شگفتی
۱۴۰	الگوی ژنتیک‌سازی
۱۴۴	الگوی آینده
۱۴۸	الگوی روز قیامت

پیوست

۱۵۲	الگوی ضدتغییر
۱۵۴	مدرسه الگو
۱۶۰	یادداشت
۱۶۶	منابع
۱۷۲	نکات پایانی
۱۷۳	نویسندگان و تصویرگران

کتاب دربارهٔ چیست

این کتاب دربارهٔ تغییر است — از تغییرات کوچک و ظاهراً بی‌اهمیت در زندگی روزمره تا تغییرات بزرگ و غیرقابل‌درک در تاریخ دنیا. و همچنین دربارهٔ احساسات آزارنده‌ای است که هنگامی که باید وضعیت موجودمان را تغییر دهیم با آن روبه‌رو می‌شویم. ولی اگر قرار است تغییری ایجاد کنیم باید ابتدا آن را بشناسیم.

چرا مدام زمان کم می‌آوریم؟ چرا همه چیز این‌قدر پیچیده شده است؟ آیا دموکراسی شیوهٔ صحیح حکومت است؟ چه کسی بر دنیا حکم می‌راند؟ چرا غیرقابل‌اعتماد شده‌ایم؟ چرا سفرهای هوایی این‌قدر ارزان شده‌اند؟

ما برای نوشتن این کتاب با کارشناسان مشورت کردیم، نظریات مختلفی را بررسی کردیم و دانش موجود را دوباره به بونهٔ آزمایش گذاشتیم. هدف ما درک اغتشاشات بنیادین دنیای امروز — و مطرح ساختن — و پی بردن به معنای آن‌هاست. حاصل آن راهنمایی تصویری برای سفر در زمان است؛ ترکیبی از الگوهای عملی، نظریات ملموس و آزمون‌های فکری برجسته که جهانمان را توضیح می‌دهند. البته ۵۰ الگوی این کتاب تنها منتخبی از الگوهای جهان محسوب می‌شوند. برخی از آن‌ها جدی‌تر از بقیه‌اند. و هیچ یک از این نظریات عمیقاً بررسی نشده‌اند: این‌ها غذای فکرنده که امیدواریم اشتهای شما را برای بررسی‌های بیشتر تحریک کنند.

در این کتاب تلاش کرده‌ایم ایده‌های پیچیده را موجز و قابل‌فهم ارائه

کنیم. برای این که بتوانید چیزی را توضیح دهید باید خود را محدود کنید. پس انتظار نداشته باشید در این کتاب با رساله‌های علمی یا نمودارهای اطلاعاتی وضعیت هنر مواجه شوید. به جای آن با توضیحاتی بسیار ساده از دنیای توصیف‌ناپذیرمان روبه‌رو خواهید شد که افکار ریشه‌دارتان را به بحث خواهند گذاشت.

چرا الگوها؟

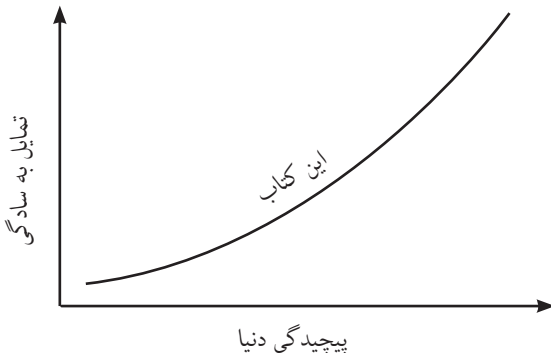
ما معمولاً تصاویر را قبل از کلمات درک می‌کنیم. تصاویر بیشتر از کلمات در ذهنمان نقش می‌بندند و الگوهای تصویری را بهتر از جملات درک می‌کنیم. به همین علت است که علم اغلب تلاش کرده است نظریات بسیار پیچیده را با استفاده از فرمول‌های ساده توضیح دهد. ولی هنگامی که نوشتن این کتاب را آغاز کردیم متوجه شدیم همه ایده‌هایی که قصد بررسیشان را داریم الگو ندارند. از این رو با همکاری طراحی نروژی به نام داگ گروودال که کارش مجسم‌سازی فرایندهای تغییر یک بانک بزرگ اسکاندیناویایی است الگوهای تجسمی خود را خلق کردیم. این الگوها نوعی تصویرسازی از دوران زندگی ما هستند و هدفشان توضیح ایده‌هایی تصویری است که در قالب کلمات قابل درک نخواهند بود.

در جستجوی الگوها برای توصیف دنیایمان از لحاظ تغییرات، به سرعت متوجه شدیم که باید در مفهومی که از تغییر در ذهن داریم هم اصلاحاتی ایجاد کنیم. برخلاف آنچه مدیریت تغییر در ذهن ما جا انداخته است، تغییر فقط به معنای انتقالی موقتی از حالتی به حالت دیگر نیست. در این زمینه واژه «بودن» باید جایگزین واژه «تبدیل شدن» شود. این واژه آکادمیک معرف تقارن متناقض رکود و تغییر است.

دستورالعمل استفاده

به قول میشل فوکو فیلسوف فرانسوی دوست داریم از کتابمان به عنوان نوعی جعبه ابزار استفاده کنیم. الگوها شبیه خط کش‌ها، آچارها، چکش‌ها، دریل‌ها و ترازهای بنّایی هستند که می‌توانید با استفاده از آن‌ها دنیایتان را اندازه‌گیری کنید، پیچ‌هایش را باز کنید و دوباره ببندید. شما می‌توانید این جعبه را باز کنید، جملات یا الگوهای مورد نظرتان را بردارید و از آن‌ها برای درهم شکستن ایده‌هایتان در مورد دنیا و تبدیل آن‌ها به اجزای جدید استفاده کنید — از جمله ایده‌هایی که این کتاب ابداع کرده است.

چیزی نیست که نتوان آن را توضیح داد.



توصیفی از دنیای ما

همه چیز چطور آغاز شد

کیهان‌شناسی حلقه کوانتوم

کائئات ما بخشی از موجودیتی عظیم‌تر است که کائئات‌هایی با قوانین مختلف طبیعی دائماً در آن در حال انبساط و انقباضند و آغاز و پایانی ندارند. (مارتین بوژووالد)

وضعیت ثابت

ظاهر کائئات هرگز تغییر نمی‌کند، ولی انبساط می‌یابد و دائماً ماده جدید از آن خلق می‌شود. (هرمن بوندی)

بیگ‌بنگ

کائئات حاصل انفجاری غریب در ۱۳/۷ میلیارد سال پیش است. (اینشتین، گات)

برای کارشناسان

از درک ما خارج است

کائئاتِ کوکی

کائئات شبیه سیستمی مکانیکی است که قوانین طبیعت آن را به کار می‌اندازند. (پیر-سیمون لاپلاس)

ساختارگرایی اجتماعی

کیهان‌شناسی تجلی روابط مبتنی بر قدرت حاکم بر جامعه است.

خودمداری

کائئات اختراع من است.

نحوه پیدایش دنیا همیشه موضوع داغی برای بحث بوده است. شما با کدام یک از این نظریه‌ها موافقید؟

سی. اف. فون وایتسزکر

احتمالات دیگر:

واقعیت فیزیک کوانتوم کائنات از پیامدهای «اطلاعاتی - فرضی» دوگانگی «نظری - عینی» حاصل شده است.

استفن هاوکینگ

کائنات با زمان موهوم و بی‌آغاز و بی‌حد و مرز، یک قانون بسیار دقیق است از «نظریه همه چیز» که هنوز کشف نشده است.

اصل آنتروپی

کائنات همان‌طور خلق شد که اشکال زنده دارای آگاهی که قادر به درک کائناتند به وجود آمدند.

جان ویلر

«همه چیز از ذره آغاز شد»: ماده پدیده‌هایمانند اطلاعات است.

برای همه

خلقت

زمین و آسمان را خدا آفریده است.
(عهد عتیق)

کائنات شبکه‌ای

ما در شبیه‌سازی کامپیوتری تمدنی بسیار پیشرفته‌تر زندگی می‌کنیم.

کیهان‌شناسی هندی

کائنات «خلق نشده» است و در چرخه‌هایی بی‌پایان حرکت می‌کند. (آیین بودا)

کالوالا

کائنات همیشه بوده است.
(اسطوره فنلاندی)

اگر دیگر اتفاقی رخ ندهد چه می‌شود؟

«موتور تاریخ چیست؟» نظریات بسیاری، مستقیم یا غیرمستقیم، در جواب این سؤال وجود دارد.

توماس هابز به غریزه حفظ بقا اعتقاد داشت، آدام اسمیت به منافع شخصی، کارل مارکس به مبارزات طبقاتی. گئورگ ویلهلم فریدریش هگل معتقد بود موتوری که ما را از جوامع قبیله‌ای ابتدایی از رعیت‌داری به سمت دموکراسی هدایت کرد «مبارزه برای تأیید» بود. بر اساس فلسفه او رشد تاریخی بر مبنای تأیید صورت گرفته است. تاریخ زمانی پایان می‌گیرد که اختلافات سیاسی برطرف شده باشند، زمانی که تمایل به تأیید در انسان ارضا شده باشد: و این تنها در حکومت لیبرال دموکرات ممکن است. (نگرش کارل مارکس هم مشابه همین نگرش بود با این تفاوت که رشدی که او توصیف کرده بود هدف دیگری داشت: جامعه‌ای کمونیست و بدون نظام طبقاتی که نه بر اساس تأیید بلکه بر اساس توزیع مجدد ثروت قرار داشت.) هگل معتقد بود پایان تاریخ در سال ۱۸۰۶ محقق شده است، یعنی زمانی که ناپلئون پروس را در نبرد ینا شکست داد؛ رخدادی که بر پیروزی انقلاب فرانسه بر نظام اشرافی دلالت داشت. فریدریش نیچه هم تحت تأثیر هگل قرار داشت. او کسی را که از لحاظ هگلی از تأیید برخوردار می‌شد «آخرین انسان» نامیده بود: «خواسته‌های همه یکسان است، همه با هم یکسانند ... هر کسی که احساس می‌کند متفاوت است داوطلبانه به تیمارستان مراجعه کند ... آخرین انسان‌ها می‌گویند (ما شادی را اختراع کرده‌ایم) و پلک‌هایشان را به هم می‌زنند.» فرانسیس فوکویاما، دانشمند علوم سیاسی آمریکایی، در دهه ۱۹۹۰ بر مفهوم پایان تاریخ

کاملاً مسلط شد و اعلام کرد که این تنها با پایان یافتن جنگ سرد محقق شده بود چون فقط یک سیستم دوام آورده بود: سرمایه‌داری لیبرال. او به شدت با انتقاد روبه‌رو شد. منتقدان او حملات تروریستی یازده سپتامبر را «پایان پایان تاریخ» نامیدند. واقعیتی که به نحوی بسیار متقاعدکننده نظریهٔ فوکویاما را رد می‌کند این است که قدرت‌های بزرگی مانند چین و روسیه به شکل دولت‌هایی استبدادی باقی ماندند که کم‌ترین وجه اشتراکی با دموکراسی لیبرال نداشتند ولی به لطف نظام سرمایه‌داری از همیشه ثروتمندتر شده‌اند.

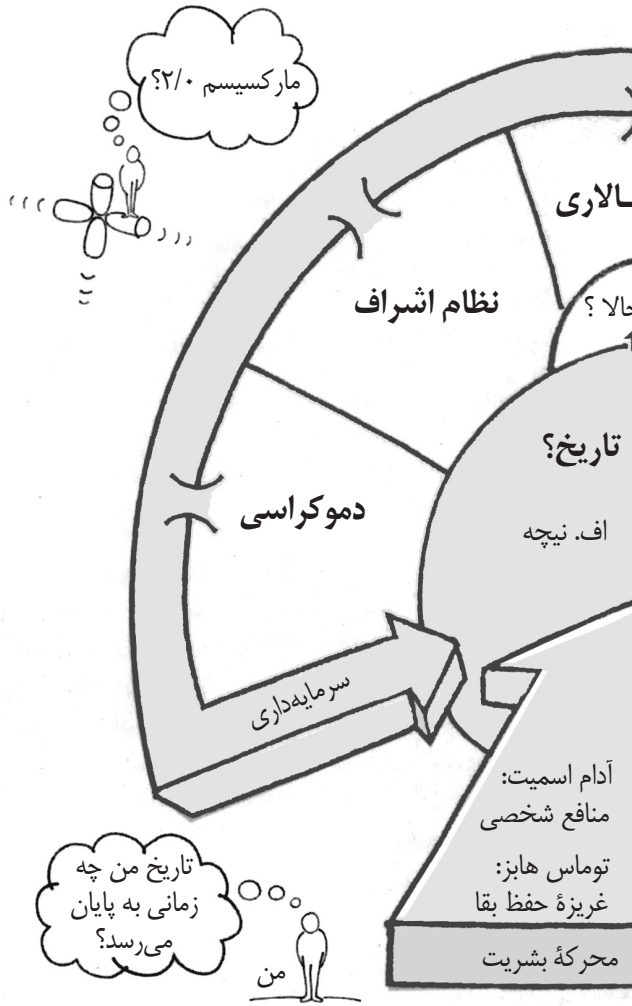
فوکویاما با اشاره به این واقعیت از استدلال خود دفاع کرد: حتی بحران اقتصادی اخیر هم به تغییر بنیادی سیستم اقتصادی سرمایه‌داری منجر نشده و این که حتی انقلاب‌های اخیر کشورهای عربی ملهم از ارزش‌های آزادی‌خواهانهٔ دنیای غرب بوده است. خلاصه این که: تاریخ هنوز در حال پایان یافتن است. پس، بعد چه خواهد شد؟ فوکویاما پیش‌بینی کرده است که بعد از به پایان رسیدن تاریخ عصر کسالت آغاز خواهد شد. این احساس هولناک که در دنیایی بدون تناقض، که هر چیزی در آن امکان دارد، دیگر هیچ چیز ارزش نخواهد داشت. پیامدهای احتمالی کدامند؟

- تاریخ ممکن است دوباره آغاز شود. یا خود را تکرار کند.
- بازگشت به ملی‌گرایی، همان‌طور که اروپای دستخوش بحران نشان می‌دهد.
- احیای کمونیسم.
- گامی به سوی نظامی جدید در دنیا.

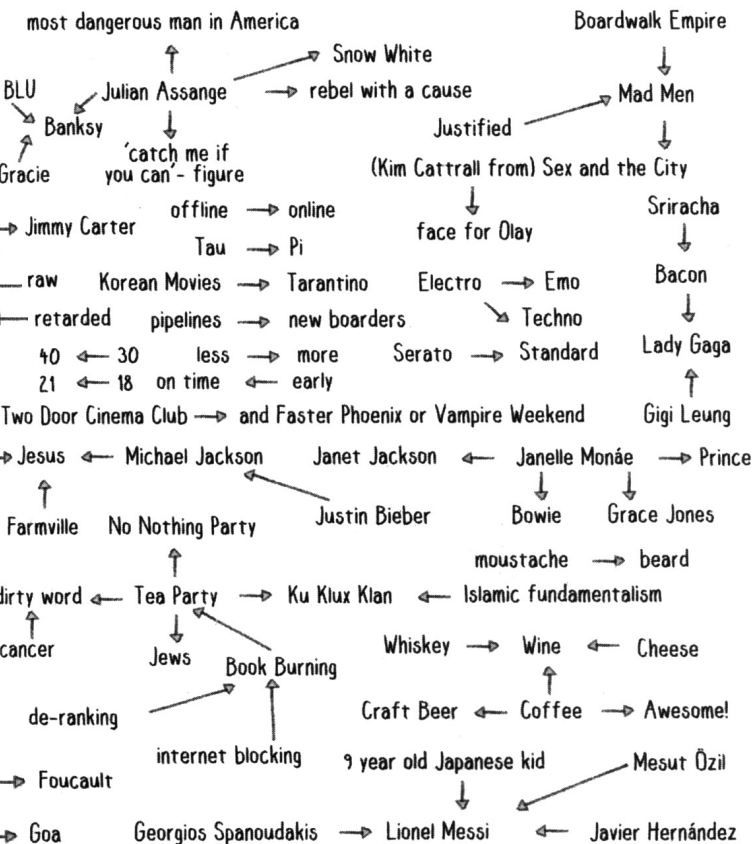
«این کاملاً اشتباه است که تصور کنیم انقلابیون (عرب) خواهان نظام سرمایه‌داری موجود در دنیای غرب هستند. آن‌ها چیزی بیش‌تر می‌خواهند.» اسلاووی ژیزک



این الگو نشان‌دهندهٔ مراحل مختلف رشد اجتماعی از اولین قبایل تادموکراسی است. نیروی محرکهٔ این پیشرفت چیست؟



چرا ایکس همان ایگرگ جدید است



انواع مختلف جمله «... is the new X» برای این الگو در گوگل تایپ شده است
 (مثلاً «... is the new Green» یا «... is the new Bin Laden».)

چرا شهرها همان ملت‌های جدیدند

در سال ۲۰۰۲ نظریهٔ جالب‌توجهی به ذهن شهرشناسی به نام ریچارد فلوریدا خطور کرد: آیا واقعاً مردم شغل‌های مورد نظرشان را جستجو می‌کنند؟ او مدعی بود، دیگر نه. امروزه شغل‌ها مردم را جستجو می‌کنند. به دلیل ارتباط نزدیکی که میان رشد و خلاقیت وجود دارد، نبردی برای استعداد خلاقانه در گرفته است. برنده‌های این نبرد ملت‌ها نیستند بلکه شهرها و مناطقی هستند که می‌توانند آمیزه‌ای از موارد زیر را ارائه کنند:

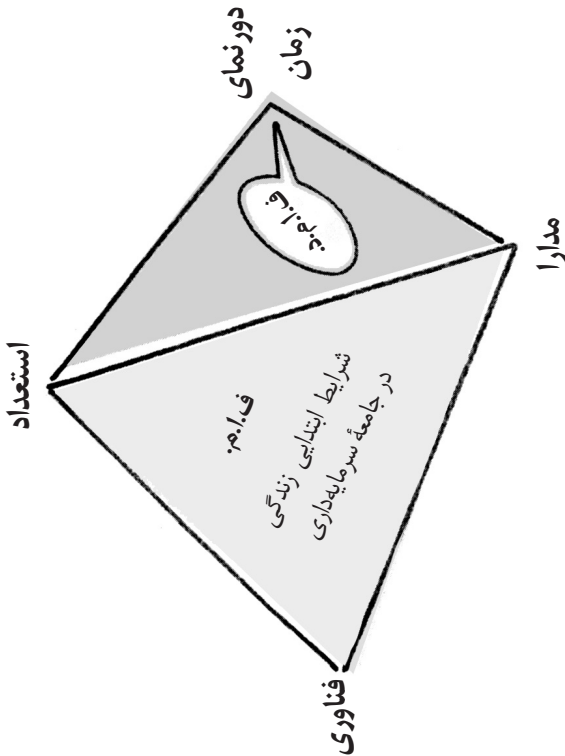
- فناوری: رشد به فناوری نیاز دارد. و مراکز برخوردار از فناوریِ بالا فرصت‌های کاری فوق‌العاده‌ای را ارائه می‌کنند.
- استعداد: رشد به افراد خلاق نیاز دارد — کارآفرینان، برنامه‌ریزان، و هنرمندان.
- مدارا: رشد به آزاداندیشی نیاز دارد. مهاجرت و نگرش‌های مختلف به زندگی نه تنها موفقیت‌های آینده را به خطر نمی‌اندازند بلکه شرط لازم آن محسوب می‌شوند. تغییر از آزاداندیشی حاصل می‌شود.

می‌خواهیم حرف «د» را هم به سه حرف قبلی الگو اضافه کنیم:

دورنمای زمان. فلوریدا همچنین می‌گوید: تبادل نظر باعث تحریک خلاقیت می‌شود و در جوامع و مکان‌های واقعی رخ می‌دهد. از این رو فقط به کار گرفتن عده‌ای افراد خلاق، کشیدن شیرهٔ آن‌ها و سپس کنار گذاشتن آن‌ها و به کار گرفتن نیروی جدید کافی نیست. خلاقیت در

کنفرانس‌های اسکایپ به ظهور نمی‌رسد. خلاقیت از روابط میان مردم برمی‌خیزد. اگر شرکتی موفق شود کارمندان را سال‌ها حفظ کند، اعتماد، مدارا و خلاقیت در آن‌ها رشد می‌یابد. همین در مورد روابط مردم با شهرها و مناطق مختلف هم صدق می‌کند.

تا به حال کجا کار کرده‌اید؟
دوست دارید کجا زندگی کنید؟



شهرهای ف.ا.م.د: سان‌فرانسیسکو، کینهاگ، پورتلند، مونیخ

چطور می‌توانید در باب همه چیز تردید کنید

اکثر الگوهای دنیا در تاریخ بشریت بر اساس این تفکر قرار دارند که هسته، لحظه معین، مبدایی در آغاز، یا ریشه‌ای وجود دارد که همه چیز به شکل طولی از آن سرچشمه گرفته است. ابتدا در غارها زندگی می‌کردیم و آتش را کشف کردیم. سپس چرخ، دموکراسی، روشننگری، حقوق بشر و خرده‌تراشه‌ها را کشف کردیم. این پیشرفت را اغلب در قالب درختی با ریشه‌ها، تنه و شاخه‌هایی که به سمت نور رشد می‌کنند به تصویر می‌کشند — ولی این شاخه‌ها هر اندازه متعدد و پیچیده، در نهایت نقطه آغازی مشترک دارند. این الگوی شناخت‌شناسانه که «درخت زندگی» هم نامیده می‌شود بنیاد تفکر غربی را در طول تاریخ تشکیل داده است: «تقسیم» افلاطون و «انسان اقتصادی» استوارت میل تا نظریه فروید در زمینه عقده اودیپ که مدعی است همه مشکلات روانی به یک ضربه روحی (لحظه جدایی کودک از مادر) بازمی‌گردد تا درخت نحو زبان‌شناسی چامسکی.

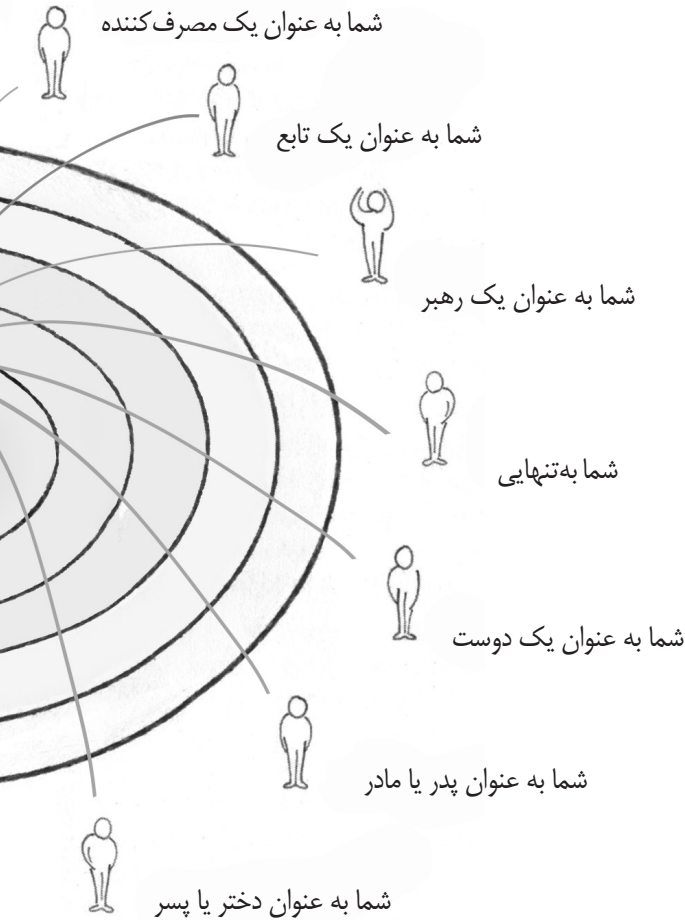
شاید تصور کنید استعاره درخت در این مورد زیاد دقیق نیست ولی منطقی به نظر می‌رسد. این استعاره با مشخص کردن علت و معلول، نشان‌دهنده نحوه تفکر ما و همچنین معرف باورهای جاری ماست: ما همیشه افرادی را الگو قرار می‌دهیم که در جایگاهی بالاتر از خودمان قرار دارند نه پایین‌تر. به این ترتیب رشد و پیشرفت همیشه در مسیری خطی و از پایین به بالا، از پست به برتر، و از بربریت به تمدن رخ می‌دهد. نماد درخت با تفکر ما درباره ریشه هم متناسب است: برای زنده ماندن به ریشه‌های قوی نیاز داریم. این نکته مهم اساس مفاهیمی مانند ملی‌گرایی، ریشه،

هویت یا خانوادهٔ بیولوژیکی به عنوان یک واحد مقدماتی در اجتماع است. ژیل دلوز و فلیکس گاتاری، فیلسوف‌های فرانسوی، در باب درستی الگوی درختی تردید کردند. استدلال آن‌ها این بود که این الگو تغییرپذیر نیست و معرف سیستم سازمان‌یافتهٔ سلسله‌مراتب است که مراحل پست و برتر رشد را تعیین می‌کند.

آن‌ها معتقد بودند باید زندگی را افقی مجسم کرد، نه به شکل رشدی از پایین به بالا بلکه به شکل حرکتی متفرق در دو جهت. الگوی ریزوم آن‌ها نشان‌دهندهٔ نظم است که در آن همهٔ عناصر با هم مرتبط و متقاطعند و با این حال جدا از هم نیستند. واژهٔ «ریزوم» اصطلاحی مربوط به علم گیاه‌شناسی است و به گیاهان بی‌ریشه‌ای مانند گل موگه، زنجبیل یا ریسدا اشاره دارد. برخی از مردم معتقدند اینترنت ساختاری ریزوماتیک دارد. اینترنت شبکه‌ای عظیم است که بخش‌های مختلف آن با هم در ارتباطند، آغاز و پایانی ندارد، وجود واقعی ندارد و تنها حالتی مداوم از تبدیل شدن است.

تفکر دلوزی را می‌توان در سه کلمه خلاصه کرد: «افقی نه عمودی». این کنایه‌ای است از شرح حال نقشه‌کشی با ساختار نظم افقی که داوطلبانه خود را به شکل عمودی از پنجره به بیرون انداخت و به زندگی خود خاتمه داد. اگر این ایده‌ها را به خود نسبت دهیم این سؤال ایجاد می‌شود که: آیا واقعاً می‌توان مجسم کرد که روی نردبان نایستاده‌ایم، به این معنا که رشدمان عمودی نیست بلکه افقی است؟ و این که در حال بهتر شدن نیستیم و تنها در حال تغییریم؟

«ریشه چه فایده‌ای دارد وقتی نمی‌توانید آن را با خود ببرید؟» گرتروداشتاین



هشدار: این تصویری ریزوماتیک نیست چون دارای مرکز است: شما. به الگو نگاه کنید و از خود پرسید: من که هستم و چند تا هستم؟



انسان در طول زندگی و حتی گاهی در طول یک روز چند «دور» را تکمیل می‌کند.

آیا می‌توانید دنیایی را مجسم کنید که شما مرکز آن نیستید؟ دنیایی که اصلاً مرکز ندارد؟

چرا سفرهای هوایی این قدر ارزان شده‌اند

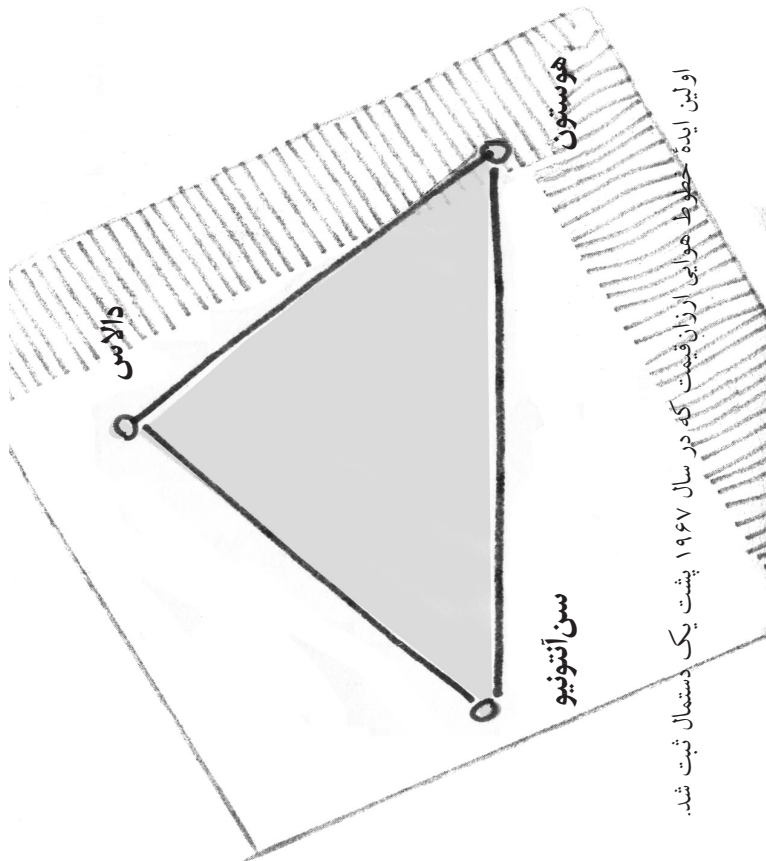
وکیلی به نام هرب کلپر در سال ۱۹۶۷ با موکلش رولین کینگ در کلوب سنت آنتونی در سن آنتونیو نشسته بود. آن‌ها روی پروژۀ انحلال شرکت ایرلاین ورشکستۀ کینگ کار می‌کردند. کینگ نمی‌خواست شرکتش را بدون مبارزه از دست بدهد. او دستمالی از روی میز برداشت و اسامی سه شهر پررونق دالاس، سن آنتونیو و هوستون را روی آن نوشت و آن‌ها را به شکل مثلی به هم متصل کرد. کلپر اخم کرد: او در آن زمان نمی‌دانست که شاهد تولد شرکت هوایی باجت بوده است. طرح بزرگ‌ترین تحول در خطوط هوایی موجود روی یک دستمال کشیده شده بود. سیاست شرکت‌های حمل و نقل ارزان‌قیمت چیست؟

- تعداد محدودی اتصال مستقیم میان شهرهای مهم که باید حتی‌المقدور کوتاه باشد.
- اجتناب از رفتن به فرودگاه‌های مرکزی — چون بسیار گران‌قیمت و وقت‌گیرند — و سفر به فرودگاه‌های فرعی (مثلاً سفر به فرودگاه لوتون به جای هیتر)
- تنها یک نوع هواپیما، توقف‌های کوتاه (گاهی کم‌تر از سی دقیقه)
- تنها یک طبقهٔ خدماتی، صندلی‌های باریک، بدون خدمات، بدون جایی برای استراحت (بدون مسائیل حاشیه‌ای)
- کسب درآمد بیشتر از طریق رزرو اجارۀ ماشین، هتل، و میان‌وعده‌های فروشی در حین پرواز
- هزینه‌های فرعی اندک، بدون تبادل عضویت اتحادیه

- بلیت‌های ارزان قیمت

مادر سوپرمارکت‌های ارزان قیمت شاهد این سیاست بوده‌ایم: چشم‌پوشی از هر چیزی که قبلاً تصور می‌شد نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد.

نوآوری یعنی کنار گذاشتن موارد غیرضروری.



اگر دنیا یک دهکده بود
چطور به نظر می رسید

